

بررسی سبک زندگی اسلامی از منظر «حیات طیبه» در قرآن

اهداف: از جمله موضوع‌های اساسی که پژوهش در آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، سبک زندگی اسلامی است. سبک زندگی اسلامی چیست و ویژگی‌های آن از منظر قرآن و روایات چه می‌باشد و نیز شاخصه‌های انسان متعالی، اصول و مبانی سبک زندگی اسلامی، وجه تمایز و امتیاز سبک زندگی اسلامی با دیگر روش‌های زندگی و نیز ماهیت و غایت سبک زندگی اسلامی و نقش انسان‌شناسی و جهان‌بینی و هدف زندگی در سبک زندگی چیست. روش‌ها: هر مکتب و مذهبی، سبک زندگی برای بشریت ارائه می‌دهد و مدعی است، جامعه‌ی مطلوب و زندگی سالم در نتیجه پیروی از روش زندگی است که آنان ارائه می‌نمایند. حقیقت این است وقتی سخن از سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه به میان می‌آید، دو امر به ذهن تداعی می‌کند. به دیگر سخن گزاره حاکی از سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه، متضمن دو گزاره دیگر هم هست:

الف) وضع موجود جوامع بشری دچار آسیب‌ها و آفت‌زده سبک زندگی غیر اسلامی است.

ب) چیستی و چگونگی سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه و دیگری امکان حصول به این سبک زندگی است.

در این پژوهش تلاش شده است در راستای رسیدن به سبک زندگی اسلامی، حیات طیبه از منظر قرآن مورد بررسی قرار گیرد.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از آن است که ایمان و عمل صالح، ملاک و معیار اساسی سبک زندگی اسلامی و دستیابی به حیات طیبه است. حیات طیبه و لقای پروردگار، هر دو، با ایمان و عمل صالح به دست می‌آید. از آن جهت که «حیات» سبب حس و حرکت در همه موجودات است، «حیات طیبه» نیز سبب شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار الهی و سبک زندگی جدید نورانی برای آدمی می‌گردد.

نتیجه گیری: از آنجا که موضوع سبک زندگی اسلامی و نیز قانون‌مند کردن آن برای همه بشریت، آن گونه که شایسته‌ی این مهم باشد، چندان مورد توجه قرار نگرفته است، پژوهش در حیات طیبه که یک اصطلاح قرآنی است و بررسی ویژگی‌های زندگی مرتبط با آن می‌تواند ما را به سبک زندگی مورد قبول اسلام رهنمون سازد

1. مقدمه

در طول تاریخ برای همه انسان‌ها این سؤال مطرح بوده است که هدف زندگی چیست و انسان برای چه زندگی می‌کند و در واقع هدف انسان از زندگی و در زندگی چه باید باشد. آفریدگار این نظام هستی، جهان و انسان را به چه هدفی آفرید. هدف خلقت جهان و انسان چیست. باید توجه داشت، منظور از سؤال یاد شده این نیست که بدانیم غایت این آفرینش چیست، بلکه منظور بررسی هدف و کمال انسان می‌باشد. به دیگر سخن، ماهیت انسان چیست، تا بررسی گردد سبک زندگی شایسته آدمی در این جهان چه می‌باشد. یکی از آموزه‌های مشترک همه ادیان الهی این است که در متون دینی؛ از یک سو، سبک زندگی غیر الهی مذمت و تخطئه شده است و آسیب‌شناسی درخوری از سبک زندگی آنان، به عمل آمده است. این نکته، هم ناظر به ساحت فردی انسان‌ها و هم ناظر به ساحت جمعی آدمی است. برخی از آیات قرآن، وضع موجود انسان را مورد مذمت قرار می‌دهد. مانند سوره عصر، آیه 2؛ احزاب، 72؛ ابراهیم، 34؛ علق، 6؛ معارج، 19 و 20؛ اسراء، 11، 67 و 100؛ حج، 66؛ شوری، 48؛ زخرف، 15. و برخی دیگر از آیات قرآن، بخشی از ساحت جمعی انسان‌ها را مورد نکوهش قرار می‌دهد. مانند سوره عنکبوت، آیه 2 و 3؛ انفال، 25؛ ابراهیم، 42؛ اعراف، 94 و 95. از سوی دیگر، در برخی از آیات، سبک زندگی مورد تأیید اسلام نیز بیان شده است، تا انسان‌ها بدانند، سبک زندگی مطلوب اسلامی چیست و ویژگی‌ها و آثار آن چه می‌باشد و رسیدن به آن، ممکن است. غایت آموزه‌های دینی، رهایی از وضع موجود سبک زندگی غیر اسلامی و رسیدن به «حیات طیبه» می‌باشد. از این رو، مبدأ نظام آفرینش را به گونه‌های مختلف بیان کرده و نیز مبدأ

آفرینش خود انسان و پایان زندگی دنیوی او را ترسیم نموده و دو نوع سبک زندگی الهی و غیر الهی را بیان کرده و ویژگی‌ها و آثار هر دو را به شکل واضح آشکار می‌سازد. در این پژوهش تلاش شده است در راستای رسیدن به سبک زندگی اسلامی، «حیات طیبه» از منظر قرآن مورد بررسی قرار گیرد و مفهوم آن و زوایای عمیقش در بستر آیات قرآن و با پیروی از تفسیر قرآن تبیین شود

2. مواد و روش‌ها

«وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ پیمان خدا را به بهای ناچیزی نفروشید. زیرا آنچه نزد خدا است - اگر بدانید - قطعاً برای شما بهتر است. آنچه نزد شما است، تمام می‌شود و آنچه نزد خدا است پایدار. و قطعاً کسانی را که صبوری و شکیبایی ورزیدند، به بهتر از آنچه عمل می‌کردند، پاداش خواهیم داد. هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات می‌بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد».

بین انسان و پروردگار جهانیان، عهد و پیمانی است که پاسداشت آن، درهای معنوی را می‌گشاید و آدمی را به «حیات طیبه» و سبک زندگی نوین رهنمون می‌سازد، تا او را به بارگاه رحمت الهی و جهان «عندیت» برساند. جهانی که پایدار و همیشگی است و زندگی سالم و شادمان و برخوردار از آن زندگی، هرگز تباہ نمی‌شود.

راه یافتن به جهان «عندالله» و «حیات طیبه»، پاداش صبر و بردباری مؤمنان است که عهد و پیمان خدا را نشکسته و به بهای ناچیز آن را نفروخته‌اند و به جهت بهتر عمل کردن، به سود بی‌نظیر و غیر قابل وصف، دست می‌یابند، این نتیجه و پاداش بهتر از عمل

آدمی که به سبب عمل صالح مشروط به ایمان، نصیب زن و مرد می‌شود، «حیات طیبه» است. زندگی پاک از هرگونه نابودی و کمبودی و ناکامی و بیم و اندوه از جمله ویژگی‌های این سبک زندگی است. در برابر سبک زندگی سالم اسلامی، زندگی فرومایگی، زیر نفوذ شیطان وجود دارد و آن، برای کسانی است که فرمان بر شیطان هستند.

در مورد «حیات طیبه» دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است که به برخی به صورت کوتاه، اشاره می‌شود:

مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان «حیات طیبه» را به رزق و روزی حلال، زندگی شرافتمندانه همراه با قناعت و خشنودی، بهشت پر طراوت و زیبا و زندگی خوش در آنجا و زندگی خوشبختانه در بهشت برزخی تفسیر نموده است. برخی دیگر از مفسران گفته‌اند «حیات طیبه»، حیات بهستی است که مرگ ندارد و فقر و بیماری و هیچ شقاوت دیگری، در آن نیست. بعضی دیگر گفته‌اند منظور از «حیات طیبه» حیات برزخی است و شاید این تخصیص را از اینجا پنداشته‌اند که ذیل آیه را به جنت آخرت حمل کرده و برای «حیات طیبه» جز برزخ، چیزی به نظرشان نرسیده است. برخی دیگر گفته‌اند مراد از «حیات طیبه» همین حیات دنیوی است که مقارن با قناعت و رضا به قسمت خدای سبحان می‌باشد، زیرا چنین «حیات طیبه»، پاکیزه‌ترین سبک زندگی است. برخی نیز معتقدند که مراد از حیات طیبه، رزق حلال است که در قیامت، عقابی بر آن نیست. گروهی دیگر گفته‌اند منظور از «حیات طیبه» یعنی روزی روز به روز و یا منظور از آن قناعت است. در تفاسیر دیگر «عبادت همراه با روزی حلال» و «توفیق اطاعت خدا و مانند آن» نیز افزوده‌اند به نظر می‌رسد، در این دیدگاه‌ها مناقشه بسیار است که بر خواننده اگر دقت فرماید، پوشیده نیست. موارد ذکر شده بخشی از واقعیت «حیات طیبه» را بیان کرده است و به نظر می‌رسد تمام واقعیت نباشد.

خدای متعال در این آیه، وعده بسیار مهمی به زنان و مردان می‌دهد که در نتیجه ایمان و اثر اعمال صالحشان، «حیات طیبه» به آنان عطا می‌کند. تنها شرط، مؤمن بودن و صاحب عمل صالح است. زیرا عمل در کسی که مؤمن نیست، حبط و نابود می‌شود و اثری بر آن، مترتب نمی‌شود.

در آیه (وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ) وفای به عهد را خداوند امر کرد و از شکستن عهد نهی فرمود. زیرا، وفای به عهد، مستلزم صبر بر تلخی که مخالف هوای نفس است، می‌باشد. کسانی که صبوری پیشه کردند، پاداششان را بهتر از آنچه عمل می‌کرده‌اند، می‌دهیم. چه صبر بر اطاعت، و چه صبر بر ترک معصیت و یا صبر در برابر دشواری و معصیت. تنها قید این است که صبر، در راه خدا باشد. مقصود از اعمال ایشان، این است، عملی را که انجام می‌دهند که در نوع خود، یکی حسن و دیگری احسن است، خدای متعال اجری که می‌دهد، اجری است که در نوع خود، احسن است. مثلاً نمازی که بنده صابر در راه خدا می‌خواند، جزای فرد احسن از آن می‌دهد، هر چند نمازی که او خوانده، احسن نماز نبوده باشد. یعنی صبری که او در راه خدا دارد، سبب می‌شود که خداوند در عمل او، مته به خشخاش نگذارد و آن ویژگی که مایه پستی و زشتی عمل بنده است، آن‌ها را ندید بگیرد. چنانکه آیه شریفه (نَمَّا يُوقِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ) همین معنا را افاده می‌کند. (3) صبر در راه خدا، موجب کمال عمل است.

سبک زندگی مدینه‌های متضاد با مدینه‌های فاضله از دیدگاه فارابی:

فارابی، مقابل مدینه فاضله را، مدینه جاهلیه یا ضاله می‌نامد که برخی از آن‌ها عبارت است از:

1. مدینه ضروریه

در این سبک زندگی، افراد جامعه، جویای نیازهای اولیه خویش هستند. مانند خوراک - اعم از خوردنی و آشامیدنی - پوشاک و مسکن. راه‌های رسیدن به این مقصود که در چنین

جامعه‌ای بدان تمسک می‌شود، عبارت است از تجارت، کار و کسب، کشاورزی، دامپروری، شکار، دزدی و امثال آن.

2. مدینه نزاله یا جامعه فرومایگان

در این سبک زندگی، هدف افراد از فعالیت و همکاری اجتماعی، در مرحله نخست، اندوختن مال و کسب ضروریات زندگی بیش از نیاز به جهت آزمندی و دلبستگی به ثروت بوده، از سوی دیگر، پرهیز از صرف مال، مگر برای تأمین معاش و رفع نیازهای جسمانی است. هدف از زندگی در این نوع سبک زندگی، خست و شقاوت، تنها کامرانی و خوش گذرانی، خواه جسمانی، خواه روحی و خواه هردو است.

3. مدینه کرامت

فارابی سبک زندگی مدینه کرامت را، بهترین مدینه جاهلیه یا ضاله می‌داند. چرا که انگیزه فرمانروایان آن، کسب احترام و اعتبار است..

4. مدینه تغلبیه

مدینه تغلب، مشتق از غلبه، جامعه‌ای است که حکومت آن خودکامه، مستبد و به تعبیر امروزی‌تر، دیکتاتور است..

5. مدینه جماعیه

منظور از این مدینه، جامعه‌ای است که حکومت آن تابع رأی و رضایت مردم است و به تعبیر امروزی «دموکراتیک» است.

نتایج و بحث:

با بررسی آیات قرآن شریف به ویژگی‌های متعددی از حیات طیبه می‌توان رسید. برخی از ویژگی‌های «حیات طیبه» و جهان عندالله به شرح ذیل است.

1. زندگی حقیقی

حیات به معنای جان انداختن در چیز و افاضه حیات به آن است. آیه شریفه (فَلْنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً)، تصریح به این دارد، مؤمنی را که عمل صالح انجام دهد، به حیات جدیدی، غیر از آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می‌کند. مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می‌دهد. مثلاً حیات خبیث او را مبدل به حیات طیبی می‌کند که اصل حیات، همان حیات عمومی‌باشد و صفتش را تغییر دهد. زیرا اگر مقصود این بود، کافی است که بفرمایید: «ما حیات او را طیب می‌کنیم» ولی این طور نفرمود، بلکه فرمود: «ما او را به حیاتی طیب، زنده می‌سازیم.»

کسی که به حیات طیبه می‌رسد، به علم و ادراکی دست می‌یابد که دیگران نرسیدند. همچنین از موهبت قدرت بر احیای حق و ابطال باطل، سهمی دارد که دیگران ندارند. (مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ و عَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ و لَا هُمْ يَحْزَنُونَ). این علم و این قدرت جدید و تازه، مؤمن را آماده می‌سازند، تا اشیاء را بر آنچه که هستند، ببیند و اشیاء را به دو قسم تقسیم می‌کند. یکی حق و باقی و دیگری باطل و فانی. وقتی مؤمن این دو را از هم متمایز دید، از صمیم قلبش، از باطل فانی که همان زندگی مادی دنیا و نگارهای فریبنده و فتانه‌اش می‌باشد، اعراض نموده و به عزت خدا، عزیز می‌شود. وقتی عزت او، خدایی شد، دیگر شیطان با وسوسه‌هایش نمی‌تواند، او را ذلیل و خوار کند..

کسانی که به «حیات طیبه» می‌رسند، دل‌های‌شان مربوط به پروردگار و جز تقرب او را دوست نمی‌دارند و تنها از سخط و خشم و دوری او، می‌ترسند. برای خویشتن، حیات ظاهر و دائم سراغ دارند که جز رب غفور، کسی اداره کن آن حیات نیست و در سبک زندگی خود، جز حسن و جمیل چیزی نمی‌بینند. این چنین انسانی که به «حیات طیبه» رسیده، در نفس خود، به چنان نور و کمال و قوت و عزت و سروری می‌رسد که نمی‌توان

اندازه‌اش را معین کرد. نمی‌توان گفت که چگونه است و چگونه چنین نباشد، در حالی که مستغرق در حیات دائمی و زوال ناپذیر و نعمتی باقی و فنا ناپذیر است.

این «حیات طیبه»، زندگی حقیقی است نه مجازی و زندگی واقعی و جدید می‌باشد. کسی که دارای آن چنان زندگی است، دو جور زندگی ندارد، بلکه زندگی‌اش قوی‌تر و روشن‌تر و دارای آثار بیشتر است. چه اینکه روح قوی که خدای متعال، انبیاء را مخصوص آن کرده، یک زندگی سوّمی نیست. بلکه درجه سوّم از زندگی است که زندگی آنان درجه بالاتری دارد.

از این رو است که خداوند، این زندگی را به طیب توصیف کرده که حیاتی است خالص که خبائتی در آن، نیست. راه یافتگان به عالم «عندالله» از زندگی حقیقی در محضر خداوند که در حقیقت اثر و جلوه اسم «حی» است، برخوردارند. (بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ) زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی دارند.

موهوم بودن حیات دنیا و حقیقی بودن حیات عندالله در قیامت، برای انسان‌های غافل، آشکار شده و با حسرت و آه می‌گویند (يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي) روزی که انسان می‌گوید: «ای کاش برای زندگی، چیزی از پیش می‌فرستادم!» زیرا آن هنگام روزی است که (وَ يَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَ اسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ) «کافران به آتش سپرده می‌شوند و به آن‌ها می‌گویند: پاکی‌هایتان را در زندگی دنیا، از بین بردید و از حیات دنیا بهره‌ای اندک جستید. پس امروزه عذاب خوارکننده مجازات می‌شوید. به خاطر آنچه استکبار می‌ورزید.»

2. جامع خیر دنیا و آخرت

عالم «عندیّت» نه در حیات دنیایی محصور است و نه به حیات اخروی اختصاص دارد. بلکه خیر آن، بر دنیا و آخرت گسترده شده و برخورداران از «حیات طیبه» در همین دنیا از آن بهره‌مندند (فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ). پس پاداش دنیوی و اخروی نزد خدا

است. در ادعیه اهل بیت آمده است «و تحیینا حیاةً طیّبه فی الدنیا و الاخره» ما را به زندگی پاکیزه، در دنیا و آخرت زنده بدار. از این دعا، معلوم می‌شود که «حیات طیّبه»، شامل خیر دنیا و آخرت است و آیه شریفه نیز فرمود که خیر دنیا و آخرت، نزد خدا است. پس تحقق «حیات طیّبه» با شاخص برخورداری از خیر دنیا و آخرت، عندالله محقق می‌شود.

3. پایداری

بهره‌مندی از «حیات طیّبه»، ابدی و ماندگار است و کسی که به «حیات طیّبه» دست یافت، در آن، نابودی و فرسودگی وجود ندارد. در آیه سوره نحل که بحث از «حیات طیّبه» فرمود و اینکه عهد الهی را نفروشید، چرا که، بهره عندالله برای شما نیکو و پسندیده و بهتر است، در استدلال به این جمله، فرمود: (مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ) «آنچه نزد شما است، نابود شدنی و آنچه نزد خدا است، ماندنی می‌باشد». در آیه دیگر فرمود: (وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى) «آنچه نزد خدا است، نیکوتر و پایدارتر است».

4. نامحدود بودن

سرچشمه بیکران و بی‌پایان همه چیز، نزد خدا است و حتی بهره‌های اندک دنیایی هم جلوه و جرعه‌ای از آن خزانه‌های بیکران عندالله است (وَ إِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ) «و هیچ چیز نیست، مگر اینکه معادن آن، نزد خدا است و به اندازه معین، از آن فرود می‌آید».

راه یافتگان به آن عالم و «حیات طیّبه» هر چه بخواهند، برایشان فراهم است و محدودیتی ندارد. (لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ) «هر چه بخواهند، برای آنان، نزد پروردگارشان هست». (لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ) «برایشان هر چه بخواهند، در آنجا هست، نزد ما بیش از آن است». از این رو، کسانی که در زندگی دنیا به «حیات طیّبه» راه یافتند، هرچه اراده کنند، برای آنان فراهم می‌شود و این برایشان سهل و آسان است و وجود پیدا کردن خواستشان در مقابل مقام معنوی آنان، کوچک است.

5. کمال وجودی

رسیدن به عالم عندالله و «حیات طیبه»، تحول وجودی، به سوی کمال است و این گونه نیست که میان راه یافتگان به آن عالم و درجات و کمالاتشان، جدایی وجود داشته باشد. بلکه صاحبان مقام عندیت، عین کمال بوده و خودشان، درجات آن عالم هستند. (هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ) «آنان، درجاتی نزد خدا هستند» و برخورداری‌ها و بهره‌مندی‌ها، از خارج وجودشان به آنان داده نمی‌شود. بلکه سیر به سوی حقیقت، وجود آنان را به سرچشمه کمال و جمال، تبدیل کرده است.

6. ملاک و میزان بودن

در جهان «عندیت» نهایت کمال انسانی شکوفا شده است و کسی که به این جهان راه یابد، به اوج درجات کمال رسیده است. از این رو، راه یافتگان به آن درجات، ملاک و میزان هستند. از آیات قرآن بر می‌آید که «اکرم» و «اقسط» عندالله، معیار و میزان حقایق عالم است.

7. جایگاه کتب قدسی

قرآن کریم و سایر کتاب‌های مقدس، در جهان «عندیت» بوده و کسی که به «حیات طیبه» برسد، آن‌ها را مشاهده کرده و از حقیقت آن‌ها آگاه است. (وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ) «و هنگامی که از سوی خداوند، کتابی به سویشان آمد». (وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ) «نزد او، ام‌الکتاب است». (وَ عِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيفٌ) «و نزد ما، کتاب حفیظ - لوح محفوظ - است». (وَ إِنَّهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ) «این قرآن، در ام‌الکتاب، نزد بلند مرتبه‌ای حکیم است.»

همه حقایق عالم از سرگذشت و سرنوشت نیکان و بدان، تا وقایع و حوادث جهان، در آن نوشته و در مراتب بالا، نزد پروردگار محفوظ است و مقربان بارگاه الهی و کسانی که به

«حیات طیبه» رسیده‌اند، آن را مشاهده می‌کنند. (إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيِّنَ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا عَلَيُّونَ * كِتَابٌ مَّرْقُومٌ * يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ) (5) «نوشته ابرار، در علیین است و تو، چه میدانی، علیین چیست؟! کتابی است نگاشته شده که مقربان می‌بینند.»

8. جلوه آیات الهی

جهان «عندیّت» جلوه روشن آیات الهی است. (إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ) «تمام آیات الهی، فقط نزد خداوند است». کسی می‌تواند، آیات الهی را درک کند که چشمی به عالم عندالله گشوده و خبری از آن یافته باشد. جهان، سراسر آیات الهی است.

خداوند، علت پدیده‌ها است و با شناخت خداوند و درک حضور او، می‌توان آیات او را به درستی شناخت. افرادی که به «حیات طیبه» رسیده‌اند، ابتدا خدا را می‌بینند، آنگاه آیات و نشانه‌های او را به تماشا می‌نشینند. آنان همه آیات را نزد خدا یافته، معنای حقیقی آیه بودن را در می‌یابند. (سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ) «نشانه‌هایمان را در عالم و جان‌هایشان نشان خواهیم داد، تا برایشان آشکار شود که او حق است». علامه طباطبایی در رساله الولایه، ضمیر «انه الحق» را به خداوند بر می‌گرداند و واژه «شهید» در آیه را «مشهود» معنا کرده و چنین می‌نویسد: «هر چه را انسان می‌بیند، اول خدا را می‌بیند، بعد آن شی را، زیرا «هو الظاهر» جایی برای ظهور غیر نمی‌گذارد.

9. علم

یکی از والاترین و برترین شاخصه «حیات طیبه» و کسانی که به «حیات طیبه» زنده هستند، ویژگی دارا بودن علم است. خود قرآن، شناخت خدا و آیات و آثار او و تمام علم، نزد خدا است (إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ) «علم، تنها نزد خدا است» و هرکس به علم حقیقی برسد، بهره عند الهی یافته و به جهان «عندیّت» راه یافته است. (وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا) «و از نزد خود، به او علمی آموختیم.»

اهل بیت رسول خدا، معدن و منبع این علم و سرآمد اهل «حیات طیبه» اند. امام باقر علیه السلام فرمود: «والله انا لخزان الله في سمائه وارضه، لا على ذهب لا على فضة الا على علمه» به خدا سوگند که ما خزانه داران خدا در آسمان و زمینش هستیم. نه خزانه داری بر طلا و نقره، بلکه خزانه داری علم اویسیم.

10. نور

هر کس توفیق رسیدن به «حیات طیبه» پیدا کند، فردی است که از همه تعلقات و تیرگی‌ها، رها یافته و جان و دلش، صاف و پاک گشته است. خداوند این گروه از راه یافتگان به «حیات طیبه» را به حضور می‌پذیرد. (وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَ الشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ) «کسانی که به خدا و رسولش ایمان آوردند، آنان اهل راستی و گواهان نزد پروردگارند که پاداش و نورشان برای آنان است.»

این گروه، کسانی هستند که خداوند را با تمام وجود درک کرده و مظهر جمال و جلال او شدند، در میان مردم با این نور، حرکت می‌کنند. (أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأُحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا) «آیا کسانی که مرده بود، پس او را زنده کردیم و برایش نوری قرار دادیم که با آن، میان مردم حرکت کند، مثل کسی است که در تاریکی‌ها وامانده و راه‌گریزی ندارد؟»

افراد راه یافته به «حیات طیبه»، به مقدار میزان درک حضور، توان انعکاس نور را دارند. در این میان، اهل بیت رسول خدا، تمام نور او را دریافته و جهان را به نور او فروغ و روشنی بخشیده‌اند.

ابو خالد کابلی می‌گوید: از امام باقر «علیه السلام» درباره این آیه سؤال کردم که خداوند می‌فرماید: (فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا) «پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش و نوری که همراه او فرود آمد»، امام پاسخ فرمود: «یا خالد، النور، والله، الائمه من آل محمد الی یوم القیامه، و هم، والله نور الله الذی انزل و هم، و الله، نور الله فی

السموات و الارض، والله، يا اباخالد، لنور الامام في قلوب المؤمنين انور من الشمس المضيئه بالنهار، و هم، و الله، ينورون قلوب المؤمنين و يحجب الله - عزوجل - نورهم عمّن يشاء فتظلم قلوبهم». «ای ابو خالد، نور، به خدا قسم، امامان از خاندان پیامبر تا روز قیامت‌اند و به خدا قسم، آنان نور خدایند که نازل شده است و به خدا سوگند، آنها نور خدا در آسمان‌ها و زمین هستند و به خدا قسم، ای ابو خالد، نور امام در قلوب مؤمنان، روشن‌تر از روشنایی خورشید در روز است، و به خدا سوگند، آنها دل‌های مؤمنان را روشن کرده‌اند و خدای -عزوجل- نورشان را از هر که بخواهد می‌پوشاند، پس دل‌هایشان تاریک می‌شود.»

11. روزی مخصوص

اهل حیات طیبه در عالم «عندیت» بهره‌هایی دارند که نمی‌توان درباره آن گفتگو کرد. (عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَّقُونَ) (1) «نزد خدا، روزی دارند». این رزق تنها خوراک و پوشاک و باغ و بستان نیست، بلکه واردات و دریافت‌های مخصوصی است که قلب را زنده می‌کند و «حیات طیبه» را در عالم عندالله تداوم می‌بخشد.

12. رحمت خاص

خدای تعالی رحمت عام و فراگیری دارد که همه هستی و مؤمن و کافر از آن برخوردارند، اما رحمت خاص او مربوط به عالم «عندیت» است. به همین دلیل، تنها اهل «حیات طیبه» از آن بهره‌مندند. درباره حضرت خضر «علیه السلام» وارد شده است (اَتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا) «به او رحمتی از نزد خود بخشیدیم». یا درباره حضرت ایوب پس از آزمون دشوار بردباری و جبران و بازگشت نعمت‌ها، می‌فرماید: (وَ اَتَيْنَاهُ اَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا) «و خاندانش و همانند آنها را همراه آنان از نزد خود به او عطا کردیم». و از زبان حضرت نوح می‌فرماید: (وَ اَتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ) «و رحمتی از جانب خود به من عطا کرده است.»

رحمت خاص الهی مصادیق گوناگونی دارد: دانش حضرت خضر، بازگشت سلامتی و ثروت به حضرت ایوب به طور معجزه آسا و نبوت حضرت نوح، اموری است که از کمال یافتن هدایت به حق بر آمده. بنابراین، رحمت خاص آنگاه است که هدایت‌های الهی مؤثر شده و بنده‌ای به جایگاه شایسته بندگی برسد که همانا عالم «عندیت» و برخورداری از بهره‌های آن و در یک کلام، حیات طیبه است. رحمت عامه زمینه‌ها و ابراز و امکانات هدایت بوده و تباهی و روگردانی از آن‌ها موجب قهر و غضب الهی است و استفاده صحیح از این امکانات رحمت خاص را در پی دارد.

13. آخرت

با توجه به دو ویژگی پیشین، این حقیقت معلوم می‌شود که عالم «عندالله» همان عالم آخرت است. البته ویژگی‌های دیگری مثل بقا و پایداری هم این مطلب را به دست می‌دهد، چرا که آخرت هم به دو وصف «نیکویی» و «پایداری» توصیف شده است (وَ الْأَخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى) «و آخرت بهتر و پایدارتر است.»

اما گذشته از این‌ها، قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: (الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ) «سرای آخرت نزد خداست». و یا (وَ الْأَخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ) «و آخرت نزد پروردگار توست». بنابراین، آخرت همان عالم «عندالله» است و زنده شدگان به حیات طیبه هر چند هنوز در این جهان طبیعی حضور مادی داشته باشند، گویی ناظر قیامت و عقوبت و پاداش مردمانند.

عالم آخرت هم اکنون موجود و برپاست، اما حجاب اوهام دنیوی مانع از دیدن باطن دنیا، که آخرت است، شده (يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ) «نمایی از زندگی پست و دنیوی را دانسته و از آخرت غافلند». بنابراین، آخرت اکنون هم هست، ولی در غیب آسمان‌ها و زمین و با فرا رسیدن قیامت، تنها حجاب‌ها از پیش دیدگان فرو می‌افتد (لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ

حَدِيدٌ) «تو از این عالم غافل بودی، ما پرده‌ات را - از جلوی چشمانت - کنار زدیم، پس امروز دیدگانت تیزبین شده است.»

14. سلام

«سلام» به معنای سلامتی و نداشتن کاستی و بیماری است. اهل «حیات طیبه» و راه یافتگان به عالم «عندیت» مظهر اسم «سلام» خدا بوده و از کاستی‌ها و بیماری‌ها پاک و پیراسته‌اند. (لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ) «سرای سلامت نزد پروردگارشان برای آن‌ها است». این سلامت، سلامت قلب و جان است، نه تنها جسم و تن، زیرا جسم و تن در عالم باقی و حیات پایدار و ماندگار، مغلوب روح و قلب است. خدای متعال در این مورد فرمود: (يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ) «روزی که دارایی و فرزندان فایده‌ای ندارد، مگر کسی که دلی سالم به حضور پروردگار آورد.»

در مقابل، کسانی که از «حیات طیبه» و درک محضر الهی محرومند (فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ) «در دل‌هایشان مرض است و خداوند بیماری و کاستی دلشان را بیشتر می‌کند و برایشان عذاب دردناکی است». این دل‌های بیمار حتی در قیامت هم حضور الهی را به شایستگی درک نمی‌کند و شاید بیشترین رنج آن‌ها روز ظهور آخرت، همین باشد. (وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى * قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَ قَدْ كُنْتُ بَصِيرًا * قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى) «و در قیامت او را نابینا بر می‌انگیزیم. گوید: پروردگارا، چرا مرا کور محسور کردی، در حالی که بینا بودم؟ (خدا) گوید: همان طور که آیات ما برای یادآوری آمد، اما تو فراموش کردی، امروز فراموش می‌شوی.»

از جمله ویژگی‌های کسانی که به حیات طیبه راه یافته‌اند، جایگاه راست و استوار و درک اینکه تمام هستی خود را ملک خدا دانسته و در پیشگاه خدا با استکبار رفتار نکردن و برخورداری از سرچشمه بی‌پایان با حمایت و پشتیبانی الهی است.

3. نتیجه‌گیری

- پاسداشت عهد و پیمان خدا، سبب گشوده شدن درهای رحمت الهی است و زندگی پایدار و همیشگی.
- سبک زندگی اسلامی در «حیات طیبه»، یک حیات جدید، غیر از آن حیاتی است که دیگران زندگی می‌کنند، می‌باشد.
- سبک زندگی در حیات طیبه، زندگی حقیقی و واقعی است، نه مجازی
- بردباری و صبوری برای رضایت خدا، شرط ورود به «حیات طیبه» است. زیرا صبر در راه خدا، پایه عزم و اراده قوی و کارآمد در صحنه مبارزه با نفس است.
- ایمان و عمل صالح، ملاک و معیار اساسی سبک زندگی اسلامی و دستیابی به حیات طیبه است.
- حیات طیبه و لقای پروردگار، هر دو، با ایمان و عمل صالح به دست می‌آید. از آن جهت که «حیات» سبب حس و حرکت در همه موجودات است، «حیات طیبه» نیز سبب شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار الهی و سبک زندگی جدید نورانی برای آدمی می‌گردد.
- از جمله آثار «حیات طیبه» افزون بر شادی و آرامش در زندگی و شعور و بینش و بصیرت شهودی، زندگی تحت ولایت خدا است که در آن، سختی و فرسودگی و ذلت و شقاوت راه ندارد.